

خلاصه ای از

ایمان مسیحی

خوانندگان عزیز، با کمک این کتابچه ما می خواهیم به صورت خلاصه زیر بنای ایمان مسیحی را به شما ارائه کنیم تا پاسخگوی میل و اشتیاق شما به تحقیقی در این زمینه باشد.

مسیحیت در حقیقت ایده ای من در آوردی یا دینی بنیان شده بر یک "کتاب آسمانی" یا همانگونه که برخی اوقات گفته میشود، دین و مذهبی مثل سایر آیین یا مذاهب نیست. بلکه مسیحیت بیانگر یک حقیقت تاریخی است که **خداوند** در یک زمان مشخص و در یک مکان کاملاً معین و مشخص از باکره ای بنام مریم **جسم گرفت**. در تاریخ بشریت جسم گرفتن خدا و انسان شدنش، فدیة و قربانی عیسی مسیح نجات دهنده بر روی صلیب و رستاخیزش صرفاً یک ایده نیست بلکه یک **واقعیت محض** است. مژده ظهور و تولد عیسی مسیح، تعالیم و خدماتش و نقل آن در انجیل و در عهد جدید در تاریخ روم و فلسطین بیان گردیده و ثبت شده است.

معنا و مفهوم زندگی

بسیاری از انسانها در مورد معنا و مفهوم زندگی از خود میپرسند:
از کجا آمده ایم؟ به کجا می رویم؟ چرا زندگی می کنیم؟

تعلیمات دینی کلیسای کاتولیک پاسخی ساده اما در عین حال جامعی به این سوالات میدهد: "ما برای شناخت خدا، دوست داشتنش و با وفاداری خدمت کردنش و برای بدست آوردن حیات جاودان بر روی زمین هستیم."

انسان متشکلی از یک واحد جدایی ناپذیر یعنی جسم، روح و روان میباشد. روح، جاودان است. انسان با اراده ای آزاد دارای برقراری ارتباطات اجتماعی است و می تواند خوب وبد، نیکی و شر را از یکدیگر تشخیص دهد. کلیسای کاتولیک به ما آموزش می دهد که "انسان مخلوقی است با طبیعت و تمایلات مذهبی. او از خداوند آمده است و به سوی او نیز می رود و فقط اگر در ارتباطی آزادانه با خدا زندگی کند زندگی کاملی خواهد داشت." (تعالیم کلیسای کاتولیک شماره ۴۴)

انسان یک ماهیت کاملا مستقل هست. او صاحب و مالک شخصیت، فهم و شعور و قوه تشخیص است که بواسطه آنها از توانایی انتخاب برخوردار است. انسان با کمک عقل و وجدان خود توانائی و صلاحیت شناخت و انتخاب معیارهای مهم برای رفتار اخلاقی را دارا میباشد.

کرامت و آزادی انسان

بر طبق آموزش و تعالیم مسیحیت، آزادی و کرامت انسانی قبل از هرچیز از آفریده شدن وی به شباهت به خداوند سرچشمه میگردد و به موجب آن انسان به گونه ای منحصر بفرد از طرف خدا به زندگی فراخوانده شده و به صورت بی نظیری مخلوقی با استعداد در نظر گرفته می شود. در عهد قدیم، پیدایش ۱،۲۷ اینگونه می خوانیم: "پس خدا انسان را شبیه خود آفرید. ایشان را زن و مرد آفرید." مرد و زن همسان یکدیگر و هم ارزش و معادل هستند. شباهت به خدا بدین مفهوم نیست که مخلوق او کیی از خود آفریننده اش میباشد، اما دراینکه روح ما به او تشابه دارد.

این تشابه با خداوند درحقیقت مربوط می شود به طبیعت روح، که تمام خواسته های اختیاری و فطری و خلافت انسانها به آن برمی گردد. از این روست که به هریک از انسانها، کرامت قیاس ناپذیر داده شده است.

انسان مخلوقی آزاد

انسان، موجود مستقل، از طرف خدا به آزادی فرا خوانده شده است. اما از آنجائیکه انسان میتواند بطور مستقل عمل کند، توانائی این را نیز دارد که از این آزادی سوء استفاده کرده و بدین شکل برعلیه خلقت و برعلیه خدا عمل نماید. انسان **بالاجبارخوب نیست**. وی در مقابل هموعانش، طبیعت و خدا به انجام اعمال و کارهای بد تمایل دارد. از آنجائیکه انسان بطور کامل بی نقص نیست مرتبا مرتکب خطا و گناه میشود. با وجود این انسان در عین حال توانائی این را دارد که به اعمال خود نظری افکنده از گناهانش پشیمان شده و توبه نماید. انسان این امکان و موقعیت را دارد که می تواند از رفتارش تجدید نظرکرده و توبه و بازگشت نماید.

خالق آسمان و زمین

خدا دنیای قابل رویت و پیدا را با نیروی اراده خود از هیچ بوجود آورد و همچنین دنیای ناپیدای فرشتگان را نیز خلق نمود. قدرت و حکمت، زیبایی و جلالش و عشقش طبیعت را روشنایی می بخشد: **"کل زمین از شکوه و عظمت او پر شده است" (اشعیا ۶، ۳)**. خدا جهان را برای تجلیش و اسایش و رفاه موجودات آفرید..

انسان با نگاه کردن به نظم و ترتیب جهان و طبیعت قادر است به وجود خداوند پی ببرد. اما فقط مکاشفه خدا به ما این امکان را میدهد تا ما بیشتر از یک حقیقت محض و صرف در خصوص وجود خدا آشنائی یابیم.

مکاشفه خدا

ایمان مسیحی بر اساس مکاشفه خدا (خود آشکاری) بنا نهاده شده است. مکاشفه، بدین معناست که خدا انسان را از چیزی در مورد خود مطلع کرده است که بر آن اساس انسان قادر به شناسایی خدای نادیده است.

از طریق این مکاشفه خداوند ما را از چیزی در مورد خود مطلع می کند که ما از خودمان از هیچ می توانیم از آن اطلاع پیدا کنیم. مکاشفه خدا در کتاب مقدس نگاشته شده است و این مکاشفه از عهد قدیم آغاز گشته و در عهد جدید از طریق جسم گرفتن خدا در عیسی مسیح تمام شده است. عیسی مسیح "و فور و کمال این مکاشفه" است و با عیسی مسیح این مکاشفه خدا تمام می شود.

در مقابل این پس زمینه ایمان مسیحی به معنای جوابی است که انسان به خدا میدهد. من به خدائی که قبل از اینکه او را دوست بدارم، مرا دوست داشته جوابی میدهم. جواب به خدائی که به من حیات بخشیده و از من میخواهد که او را بشناسم و دوست بدارم. این ژرف ترین معنی و مفهوم زندگی انسان است.

مفهوم خدا در مسیحیت

ما مسیحیان به **خدای یکتا** ایمان داریم. اما این خدا یکتا از ازل در خودش **سه گانه** است و اینگونه او خودش را به ما آشکار مینماید.

سه گانگی خدای یکتا در مکاشفه خود در عهد جدید به هیچ وجه نسخ نمی شود. خدا حقیقت درونی و زنده خود را با بدن گرفتارش به برایمان روشن میسازد. این حقیقت با سه جمله ای که جبرائیل فرشته به مریم میگوید کاملاً آشکار و قابل درک میباشد:

= خدا با توسست

= فرزند خدای متعال را بدنیا خواهی آورد

= روح القدس بر تو سایه خواهند افکند (لوقا ۱، ۲۸)

پاپ بندکت شانزدهم با کلماتی ژرف و روشنگر این آموزش مسیحی را در مورد خدای واحد در قالب سه شخصیت را چنین بیان کرده است:

" **در عیسی مسیح خدا جسم گرفت و انسان شد** و بدین صورت به ما اجازه داد تا با حقیقت خدا آشنایی پیدا کنیم. و بدین گونه با آنچه که انتظار نداشتیم روبرو شدیم: **در خدا یک "من" و یک "تو" وجود دارد.** دیدیم که خدای مرموز یک تنهایی بی پایان نیست، برعکس او عشق و محبت است. هنگامیکه به آفرینش و کائنات نظری می افکنیم با روح خلق کننده ای که خود خداست، در عین حال با خالق ریاضیدان، خالق که شکل دهنده ای است که با نیرو و قدرت خود هم تمام قوانین دنیا و هم زیبایی های آنرا نظم داده و پیش بینی کرده مواجه میشویم و در صورتی که قبولش کنیم، درک می کنیم که: **روح خالق** دارای قلبی است. **او محبت است.** پدری است که با پسر صحبت میکند. هر دو در روح، یا به گفته دیگری در جوی از عشق و محبت هستند و در روح است که آنها یک خدای واحد میباشند. این است خدائی که در اتحاد و محبت زیست میکند، خدائی که که غیر قابل تقسیم بوده و یگانگی اش از هر اتحادی قویتر، بزرگتر و معظم تر میباشد: به همین دلیل است که میگوئیم **خدای سه گانه خدای یکتا است.**"

یک خدا در سه شخص

در اینجا در برابر یک رازی هستیم که معنی آن برایمان نامفهوم است. همچنین می دانیم که فهم و درک آن نیز برای ما غیر ممکن است: **ایمان به خدای یکتا و سه گانه** غیر قابل درک و توصیف است: راز تثلیث مقدس هسته اصلی و **مرکزی راز ایمان و زندگی مسیحی** است. "درک آنرا فقط خود خدا که پدر، پسر و روح القدس است می تواند به ما آشکار نماید." (تعالیم کلیسای کاتولیک ۲۶۱)

زیر بنای ذات و ماهیت مسیحیت درباره مفهوم وحی الهی عبارتی است انقلابی: **خدا یکتاست** و در ذات پر محبتش **سه شخص** وجود دارد. مسیحیت، در مقابل راز تکان دهنده خدا که پسرش عیسی مسیح را به دنیا تقدیم نمود دینی است ثابت و پایدار. یوحنا ی قدیس چنین می نویسد: "خدا نور و روشنایی است و هیچ تاریکی و ظلمتی در او نیست" و ادامه میدهد: "**خدا محبت است**" (۱ یوحنا ۴، ۸، ۱۶). محبت، ماهیت خداست. هنگامیکه زمان به کمال رسید خدا یگانه پسر خود و روح القدس را فرستاد و راز پنهانی خود را آشکار نمود. (تعالیم کلیسای کاتولیک ۲۲۱)

محبت خدا فقط منحصر به آفرینش انسان و کائنات نیست. خدا از ازل در سه گانگی اش دارای اتحاد، مشارکت و محبت میباشد. پس اگر خدا محبت است آیا میتواند در تنهایی به سر ببرد؟ داشتن یک چهره و یک قلب بخشی از طبیعت وی نمیباشد؟

زمان به کمال رسید

در درام بزرگ تاریخ نجات خدا برای نجات ما انسانها، بر طبق شهادت کتاب مقدس در شخص عیسی مسیح از مریم باکره اهل ناصره جسم گرفت و انسان شد.

برطبق اعتقاد کلیسای کاتولیک در مورد مریم باکره، و بنابر تعلیم و آموزش هایش او "بدون لکه گناه اصلی" میباشد، و زیر بنای این اعتقاد براساس ایمان به مسیح است که در عین حال آنرا توضیح داده آشکار میسازد. مریم در نقشه نجات بخش خدا به عنوان مادر نجات دهنده برگزیده شده و یدین خاطر نباید حتی برای یک لحظه نیز در زیر حکم گناه قرار گرفته باشد.

با بشارت به مریم بدین شکل زمان به کمال رسید. وعده ها به حقیقت پیوست و آمدگی ها به اتمام رسید. مریم خوانده شد تا در خود اجازه دهد که "الوهیت بطور کامل" (کولسیان ۲، ۹) جایگزین گردد. در مقابل سوال مریم "این چگونه ممکن است؟ من باکره هستم؟" (لوقا ۱، ۳۴) جواب خداوند به قدرت روح اشاره میکند: "روح القدس بر تو خواهد آمد" (لوقا ۱، ۳۵).

کلیسای کاتولیک برای سال ها این را تعلیم داده و در مقابل بدعت ها مرتباً این را تکرار نموده: مریم بدون پدری زمینی پسرش را حامله شده و بعد از تولد او نیز همیشه باکره باقی ماند.

در مریم همانطور که از ابتدا خواست خدا بود، بدون کوچکترین عیب و گناهی (پیدایش ۱، ۲۶) واقعاً آن شباهت انسان به خدا را در این دنیای مملو از گناه مشاهده میکنیم.

کتاب مقدس در آخرین باری که در مورد مریم مقدس سخنی بیان میکند، او را در حین دعا کردن در میان کلیسای جوانی که در انتظار آمدن روح القدس است به ما نشان میدهد. مریم باکره مادر مسیح، در پای صلیب به عنوان مادر کلیسا به ما معرفی می شود. مسیحیان مریم باکره را دوست دارند و به شفاعت او اعتماد دارند.

عیسی مسیح خداوند است

هسته اصلی و مرکزی ایمان و اعتقاد مسیحیت را میتوان چنین اعلام کرد: **“Verbum caro factum est”**، -**“کلمه جسم گرفت”** (یوحنا ۱، ۱۴). جسم گرفتن به معنای انسان شدن خداوند است، این یک عمل الهی غیر قابل تصور و ابداع می باشد. **حقیقتی است** که هیچ انسانی نمی تواند بطور کامل آنرا درک کند. این بدان معنی است که کلام ابدی خدا طبیعت انسانی به خود گرفت و با تولد از مریم باکره انسان شد.

یک مسیحی در عیسی و توسط اوست که خدا را می شناسد و می داند که میان پدر و پسر هیچ فاصله ای وجود ندارد. **در عیسی ناصری خود خدا در تاریخ مداخله کرد و ماهیت سه گانه مقدس خود را آشکار کرد.** به همین خاطر محتوای پیام مسیحیت فقط شامل گفتار عیسی نمی شود، بلکه خود اوست که با رنج و عذاب و مرگش عهد و آشتی و صلح میان خدا و انسانها ایجاد نمود.

در مسیح و از طریق اوست که خدا ما را دوست دارد. این اطمینان و یقین شادی بخش تمام زندگی مان است. برای ما مسیحیان بسیار مهم است که بدانیم عیسی مسیح ما را با تمام آرزوها و ضعف هایمان به درون رابطه خود با خدا داخل نموده و به این خاطر ما نیز میتوانیم با اطمینانی کودکانه خدا را به عنوان پدرمان خطاب نمائیم و همانطور که پولس رسول میگوید **“روح فرزندی یافته ایم و بدین دلیل است که فریاد میزنیم: ابا، ای پدر!”** (رومان ۸، ۱۵) پس بنابراین نه به صورت غلام یا برده ای بلکه همانند انسانهایی آزاد در آن روح زیست مینمائیم.

خدا در عیسی مسیح هست و در اوست که ما عشق و محبت خدا را تجربه میکنیم. به این خاطر میتوانیم و باید بگوئیم که: آنکه عیسی مسیح است، خدا هم همان است. زیرا عیسی مسیح خدا هست. بنابراین عیسی (و فقط او) میگوید: **“من و پدر یک هستیم”** (یوحنا ۱۰، ۳۰)

زندگی عیسی محبت بود. نگرانی او در مورد فقرا و بیماران، در مورد ضعیفان و ترک شدگان و محرومان و تلاش و غیرت او برای گناهکاران این را به ما شهادت می دهد.

تعالیم او محبت بود. او، عشق میان خدا و انسان را بگونه ای تفکیک ناپذیر به یکدیگر مرتبط و متصل کرد. او تفکرات اجباری قانونی در

اولویت بندی زندگی مومنان را گرفت و لطف و محبت خدا را موعظه نمود.

فرمان تازه مسیح

"به شما فرمان تازه ای می دهم: یکدیگر را دوست بدارید!
همانطور که من شما را دوست داشته ام،
شما نیز یکدیگر را دوست بدارید.
اگر نسبت به یکدیگر محبت داشته باشید،
همه خواهند فهمید که شما شاگردان من هستید."
(یوحنا ۳۴، ۱۳-۳۵)

عیسی در زبان عبرانی به معنی "**خدا نجات می بخشد**" است. در هنگام بشارت به مریم، فرشته جبریل است چنین نامی را به او میدهد، و با دادن نام عیسی ابراز میکند که او کیست و چرا فرستاده شده است. (لوقا ۱، ۳۱) "جز خدای یکتا" هیچکس "نمی تواند گناهان را ببخشد." (مرقس ۲، ۷)

دقیقاً به این دلیل، فرزند ازلی که جسم گرفت و انسان شد میتواند "قوم خود را از گناهانش رهائی خواهد داد." (متی ۱، ۲۱) نام "**عیسی**" فقط یک اسم نیست بلکه یک برنامه است که معنای عمیقی دارد: "**یهوه نجات می دهد**" یهوه یاری می کند.

"**مسیح**" کلمه ای است یونانی، که در زبان عبری "**ماشیح**" گفته میشود و به معنای "**مسح شده**" میباشد. مسیح لقبی است که به عیسی داده شده زیرا وی به معنی کامل این ماموریت الهی را در زندگیش بجا آورده است. در اسرائیل به اشخاصی که از طرف خدا برای انجام ماموریتی انتخاب میشدند را مسح میکردند. این اشخاص پادشاهان، کاهنان و پیامبران میبودند.

گناه آدم و ما

در کتاب مقدس رابطه ای جدا ناپذیر در میان تعلیم در مورد گناه اصلی و نجات وجود دارد (رومیان ۵، ۸-۱۰، ۱۲-۱۸): بدون وجود گناه اصلی نجاتی هم نمی تواند وجود داشته باشد! **چه چیزی را گناه اصلی خطاب مینمائیم؟**

در کتاب مقدس روایت "**اولین گناه**" (گناه اصلی) با زبان تصویری جالبی در مورد اتفاقی که در ابتدای تاریخ بشر روی داده بیان گشته است. خدا انسان را در بهشت به شباهت خود آفریده و او را به عنوان دوست خود پذیرفته بود. انسان که از روح تجهیز شده، این دوستی را فقط اگر در تبعیت از خدا و پذیرفتن خواسته آفریننده خود و نخوردن میوه قدغن شده "درخت معرفت خوب و بد"، در اعتماد و احترام به او زندگی کند میسر خواهد ساخت.

شیطان اجدادمان را وسوسه نموده و آنها از آزادیشان بد استفاده کرده فرمان خدا را زیر پا گذاشتند و خواستند سلطان زندگی خود بوده، بدون خدا "**مانند خدا**" باشند.

نتایج مبرم این ناطاعتی اولیه را کتاب مقدس بدین صورت به ما نشان میدهد. در همان لحظه، آدم و حوا تقدس اولیه خود را از دست داده ناگهان شروع به ترسیدن از خدا کرده و دیگر او را نه همانند پدری دوست داشتنی بلکه به او همانند حاکمی حسود نگریستند.

توازن و هماهنگی اولیه میان خدا و مخلوقش انسان بدین دلیل نابود شده از بین رفت: انسان توانائی ذهنی و حاکمیت بر بدنش را از دست داد. اتحاد اولیه میان مرد و زن به استرس و تنش تبدیل شد و روابط از شور و شوق به شهوت و حرص برای بدست آوردن قدرت تبدیل گشت. بدین شکل هماهنگی میان کاینات و انسان نیز از بین رفت و کاینات برای انسان همانند دشمنی غریب شد. و در آخر انسان "به خاکی که از آن بوجود آمده بود بازگشت خواهد نمود" (پیدایش ۳، ۱۹) و **مرگ** به تاریخ بشریت داخل شد.

گناه اصلی، دنیا را در **سیلی از گناه** پوشانید: قائل برادر خود هابیل را کشت. به خاطر گناهانشان انسانها روز به روز بدتر شده پوسیدند. در

تاریخ قوم اسرائیل نیز گناه (با بی وفائی نسبت به خداوند و زیر پا گذاشتن فرمان هایش) مرتباً خود را آشکار ساخت و حتی مسیحیان نیز که توسط عیسی مسیح نجات یافته اند با اعمالشان به گناه کردن ادامه دادند.

همه انسانها به گناه آدم آلوده شده اند. هر انسان هنگامیکه به ژرفنای قلب خود مینگرد متوجه گرایشش به سوی گناهی، که غیر ممکن است که از خالقش سرچشمه گرفته باشد، می شود. این گرایش انسان بسوی بدی، در همه ما از لحظه تولدمان وجود داشته و به معنای "مرگ روحی" است که بدون ارتباط آن با گناه آدم غیر قابل درک میباشد. به همین خاطر است که کلیسا با آگاهی از این حقیقت حتی خردسالان را نیز که هنوز مرتکب گناه شخصی نشده اند، برای اینکه گناهانشان آمرزیده شود تعمید میدهد.

گناه اصلی گناهی نیست که انسان مرتکب آن شده، بلکه گناهی است که به او به "ارث" رسیده است. این گناه نه عملی بلکه حالت و وضعیتی را بر ایمان بیان مینماید. در تعمید نیز از آنجائی که عیسی مسیح فیض حیات را به ما عطا میکند، گناه اصلی را از میان برده و انسان را مجدداً برای وضعیت نهائی بسوی خداوند هدایت مینماید. به این دلیل، برای نجات انسان و برقراری و مستحکمتر ساختن این رابطه، پسر خدا انسان شد.

تعمید

برای مسیحی شدن و درخواست تعمید کردن شخص قبل از هر چیز باید قدم به قدم با دنیای ایمان مسیحی آشنائی پیدا کرده به آن داخل شود. کلیسای کاتولیک از اشخاصی که مایلند تعمید بگیرند قبل از دریافت تولد تازه در آب، برای مدت طولانی و بطور جدی در خواست میکند که راز ایمان را درک کرده بر طبق آن زندگی کنند. این دوره آمادگی را دوره "حق جوئی" (گگومونات) مینامند.

تعمید برای زندگی شخص مسیحی اولین قدم و زیر بنای راز مقدس (ساکرامنت) ایمانش میباشد. کلیسا از طریق راز مقدس تعمید شخصی تعمیدگیرنده را عضو رسمی جماعت ایمانداران میگرداند. با تعمید "خواه یهودی، خواه یونانی، خواه برده، خواه آزاد بوسیله یک روح در یک بدن تعمید یافته ایم و همه از همان روح پر شده ایم تا از او بنوشیم" (۱۲، ۱۳). با تعمید، تمام تعمیدگیرندگان با مسیح و در مسیح به یکدیگر متصل اند و بدین شکل از طریق تعمید هرقوم، هرفر هنگ، هرگروه، هر نژاد از هرجنسیت، هرگونه مرز و حدود را کنارگذاشته قوم خدا را در عهد جدید تشکیل میدهند.

با ریختن آب بر روی سر و دعوت خدای یکتا و سه گانه، داوطلب تعمید، در مرگ مسیح شریک گشته به همراه او در رستخیزش زندگی نوینی را آغاز مینماید. آنچه که انسان به تنهایی قادر به انجام دادن و بدست آوردنش نیست را، خدا در مسیح بصورت رایگان به او عطا میفرماید. بدین دلیل تعمید به هیچ نحوی حذف نمی گردد، تکرار نمی شود و در درون انسان این نشانه پاک نشدنی است.

مرگ و رستاخیز

مصلوب شدن عیسی مسیح، نجات و رستاخیزش از مردگان هسته مرکزی و اصلی اعتقاد مسیحی را تشکیل میدهد. به این دلیل پولس رسول به اهالی قرن‌تس چنین می نویسد: "آنچه را که به من رسیده بود یعنی مهمترین حقایق انجیل را به شما سپردم و آن این است که مطابق پیشگویی های تورات و نوشته های انبیا مسیح برای گناهان ما مرد و مدفون شد و نیز بر طبق کتاب مقدس در روز سوم زنده گشت و بعد خود را به پطرس و پس از آن به دوازده رسول ظاهر ساخت". (اول قرن‌تس ۱، ۳-۵)

زندگی و اعمال عیسی، آنچه که صلیب عیسی را از تمام دیگر صلیب های کوچک و بزرگ دنیا متمایز می سازد آن است که: **کسی که در اینجا رنج می کشد، عیسی مسیح یگانه فرزند پدر و خداوند عالم است.**

فقط از آنجائیکه عیسی پسر خدا، کاملاً بدون گناه بود توانست انسانها را با خدا مصالحت دهد و گناهکاران را نجات بخشد. (عبرانیان ۹، ۱۱)

صلیب مسیح

برای مسیحیان، صلیب نماد و نشانه پیروزی و "امید بی همتائی" است. -
"O Crux, ave, spes unica" - مسیحیان معتقدند که عیسی، که در روز قیام با زخمهای پرجلالش بر شاگردانش ظاهر شده همان مسیح مصلوب شده است که بر گناه مرگ چیره گشته و در روز آخر برای داوری دنیا خواهد آمد. (اعمال رسولان ۱، ۷: اعمال رسولان ۱، ۱۱)

به روایت متی انجیل نویس، عیسی در سخنرانی بزرگ خود در مورد آینده و آخرت به تصویر درخشنده صلیب نیز اشاره ای کرده: "پسر انسان در آسمان ظاهر میشود... و همه او را خواهند دید که با قدرت و جلال عظیم بر ابرهای آسمان می آید" (متی ۲۴، ۳۰)

حضور دائمی خداوند

گفته عیسی "من هر روز تا انقضای عالم با شما هستم" (متی ۲۸، ۲۰) برای مسیحیان از یک طرف منبع تسلی و از طرف دیگر به معنای داشتن مسئولیت بزرگی است. حضور خداوند قیام کرده در کلیسا، کاملاً با حضور تاریخی اش قبل از رستاخیز در میان حواریون متفاوت است.

عیسی رستاخیز کرده، بر طبق کلامش "در دست راست پدر نشسته" و در عین حال "در میان ماست". عیسی بعد از رستاخیزش، نسبت به دوره تاریخی قبل از رستاخیز، رابطه ای عمیقتر و جامع تری با شاگردان خود دارد. فعالیت عیسی در این دوره هم ساکت تر، هم درونی تر و هم پنهانی تر است، اما ضعیف تر و ناکامل نیست.

با خواندن و شنیدن کتاب مقدس و با شرکت در رازهای مقدس، بخصوص اوکاریستی (مراسم قربانی مقدس) متوجه مسیح در کلیسایش حضور می شویم. کلیسا با اوکاریستی، کلام خدا و راز صلیب با فروتنی و شادمانی به راه خود ادامه میدهد و در طی راه وجود منجی اش را حس کرده و از او پشتیبانی برخوردار می شود.

خداوند در کلیسا، یعنی جماعتی که از شاگردانش تشکیل شده "حضور دارد". حضور و فعالیت وی میتواند از طرف مردم لکه دار و خدشه دار شده و باعث دوری ایمانداران گردد، اما هیچوقت از بین نمیبرد و حذف کردنش امکان پذیر نمیباشد. "هرکه به شما گوش دهد به من گوش داده است و هرکه شما را رد کند مرا رد کرده است" (لوقا ۱۰، ۱۶)

نمک جهان

این حقیقت، یعنی انسان شدن پسر خدا، باعث دیدن و زیستن نتایجی بسیار نادر در میان اشخاص شده است. "بدانید هر چیزی که شما برای یکی از برادرانتان انجام دهید، انرا برای من انجام داده اید". (متی ۲۵، ۴۰) از آنجائیکه عیسی با انسانها، بخصوص نیازمندان، فقرا، بیماران و اشخاص بی کس و تنها همیشه هم دل بوده، این طرز زندگی میتواند برای مسیحیان فقط دارای یک معنی باشد: عیسی را در هموعانشان شناخته، جدی بگیرند.

برای مسیحیان، فرمان **عشق به خدا و عشق به همنوع**، حتی شامل عشق و محبت به دشمنان نیز میگردد. مسیحیان باید خمیر مایه و نمک جهان باشند. فرمانهای خدا را شناخته و سعی نموده با گفتار و اعمالشان برطبق آن زندگی کنند.

دنیائی که تکنولوژی بر آن حکمرانی میکند باز هم به انسان نیازمند است. دوست انسان، قبل از دریافت هدیه، محتاج به قلب ما، سلام ما و همدردی درونی ما میباشد. به شخص گرسنه اگر بدون هیچ حسی و با بی تفاوتی نانی هم داده شود، میان آن دو نفر هیچ رابطه ای برقرار نمیگردد و حتی برعکس شخص یاری دهنده خود را برتر حس کرده و بدین دلیل فاصله ای ژرفناکتر در میان آن دو بوجود می آید. اعمال و رفتار انسان را باید برطبق نیت و طرز فکرش مورد قضاوت قرار داد.

نیایش مسیحی

نیایش و عبادت یک مسیحی یک مراسم اجباری و تکلیفی نیست بلکه عبادتی است دلخواهانه که با ایمان و عشق از قلب شخص سرچشمه میگیرد. یوحنا دمشقی به گونه ای دیگر آنرا بیان می نماید: "عبادت و نیایش روح انسان را به سوی خداوند هدایت نموده و یا درخواست چیزهای خوب و نیک از خداوند است."

شخص مسیحی می تواند در هر زمانی و در هر مکانی عبادت نماید. این روح القدس است که در قلب شخص تمایل به دعا و نیایش را بسوی خدا، پدر آسمانی بیدار میکند. مسیحیان با عشق و احترام و با اطمینان خدا را "ابا، ای پدر" خطاب مینمایند. (رومیان ۸، ۱۵) از آنجا که خدا پدر فرزندان است درخواست ها و دعاهای آنها را می شنود. بخصوص خدا قول به اجابت دعای جمعی را داده است. (متی ۱۸، ۱۹-۲۰)

در عبادت مسیحی، سه حالت عمده دعا و نیایش وجود دارد: دعای زبانی، دعای ملاقات و مشاهده، و دعای ذهنی و درونی. هر آنچه که انسان را تحت تاثیر قرار دهد، و برقلیش تاثیر بگذارد می تواند محتوایات دعا و نیایشش بوده و بیان کننده عشق و اعتماد و اطمینان شخص باشد: ستایش، شکرگذاری، تمنا، توبه، پرستش.

کلیسا ایمانداران را به عبادت مداوم و منظم دعوت می نماید: دعای روزانه، دعا در ساعت های مختلف روز، عبادت روزهای یکشنبه (مراسم قربانی مقدس) و شرکت در جشنها و مراسم مختلف در طول سال عبادی.

دعا و نیایش مسیحی با نظم خاص و برنامه ریزی روزانه چون دعای صبح، غروب و نیایش شبانه تقسیم بندی شده است. اما با وجود این برای اینکه دعای مسیحیان مناسب و مورد قبول خدا قرار گیرد احتیاجی به ساعات مقرر یا تعداد مشخص، یا حرکات بدنی خاص، یا لباس مشخص، فرم نیایش خاص، یا جهت، غسل قبل از عبادت و یا زبان خاصی ندارد.

نکته اصلی در دعا، استفاده از کلمات خاص و فرمول بندی نیست بلکه نیت درونی نکته اساسی دعا میباشد. دعا باید از قلب جاری شود، با ایمان خواسته شود (متی ۲۱، ۲۲: یعقوب ۱، ۶)، با فروتنی بیان گردد (یعقوب ۴، ۶: لوقا ۱۸، ۱۳) و همانطور که خدا گناهان را میبخشد، شخص دعاکننده نیز باید نسبت به دیگران بخشنده باشد. (متی ۶، ۱۴-۱۵)

انتظار مسیحی از آینده

پولس رسول چنین می گوید: **"خانه و وطن ما در آسمان است!"** وطن و خانه زمینی مان، هر چه قدر که آنرا دوست داشته باشیم و هر قدر که زیبا باشد، فقط تشبیهی است از **"اورشلیم آسمانی"** که کتاب مقدس از آن سخن میگوید که **خانه و وطن حقیقی** ما میباشد. تفکرات و آرزوهایمان بایستی همیشه باید بسوی آسمان هدایت شده باشد.

پایه و اساس **امید مسیحی** در تاریخ گواهی و شهادت رستاخیز عیسی مسیح است. تمام آنچه که ما مسیحیان در مورد رستاخیزمان و زندگی ابدی می توانیم بگوییم، فقط توسعه و گسترش ایمان ما در مورد رستاخیز و صعود عیسی مسیح است.

از آنجائیکه با **ایمان و تعמיד**، در مرگ عیسی مسیح با او در ارتباط میباشیم، در آینده نیز میتوانیم امیدوار باشیم که در رستاخیزش نیز شریک خواهیم بود (ر.ک. رومیان ۶، ۵)

برای **مسیحیان بهشت با تعמיד آغاز میگردد** زیرا تعמיד فیض خدا و زندگی با او را به ما عطا میکند. البته همانطور که پولس رسول میگوید ما هنوز همانند **"بیگانگانی"** هستیم که **"گریه کنان در بره ای"** در راه میباشند. با وجود این اگر عشق و محبت شروع شده باشد، زندگی ابدی نیز شروع شده است.

شکوه و جلال آسمان را هیچ بشری نمی تواند تصور کند. از آنجا که ما فقط یک ماهیت محدود زمینی هستیم، دنیای فرا زمینی برای ما یک **حقیقت غیرقابل تصور** است. **کتاب مقدس** نیز برایمان از بهشت فقط با تصاویر و تمثیل هائی همانند **"زندگی ابدی"**، **"نور"**، **"صلح و آرامش"**، **"جشن عروسی"**، **"خانه پدر"**، **"اورشلیم آسمانی"**، **"باغ بهشتی"** سخن میگوید. اما در اصل این تمثیلهائی نمی توانند ما را به تصور حقیقی از بهشت برسانند. در این مورد آنچه که پولس رسول در نامه هایش در مورد بهشت مینویسد بسیار دقیقتر میباشد: **"آنچه را که هرگز چشمی ندیده و گوشی نشنیده و بخاطر انسانی خطور نکرده است، خدا برای دوستداران خود مهیا کرده است."** (اول قرنتیان ۲، ۹). شکوه و جلال آسمان برای ما انسانها غیر قابل تصور بوده، فراتر از تصورات ما میباشد.

ماموریتی که عیسی به ما سپرده

عیسی مسیح قیام کرده شخصاً خودش این ماموریت را به حواریون خود سپرد: "بروید و همه ملت‌ها را شاگرد من سازید و آنها را بنام پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید و تعلیم دهید که همه چیزهایی را که به شما گفته ام انجام دهند." (متی ۲۸، ۱۹-۲۰)

عیسی مسیح با دادن این ماموریت به حواریونش، جهت زندگی و طرز دید آنها را تغییر داد. بدین خاطر است که یوحنا رسول چنین می نویسد: "آنچه از ابتدا بود و آنچه شنیده ایم و به چشم خود دیده، آنچه بر آن نگریستیم و دستهای ما لمس کرده، درباره کلمه حیات. و حیات ظاهر شد و آن را دیده ایم و شهادت می دهیم و به شما خبر می دهیم از حیات جاودانی که نزد پدر بود و بر ما ظاهر شد." (۱ یوحنا ۱، ۱-۲)

آنچه که رسولان، یعنی شاگردان اولیه عیسی تجربه کرده اند، آنقدر منحصر بفرد و مهم بود که آنها نمی توانستند آنرا برای خود نگهدارند! خواسته حواریون که توسط عیسی با یک طرز زندگی نوین، یک آزادی و امید تازه ای برای آینده برخورد کرده بودند مشارکت دیگران نیز در این حقیقت بود. تنها آرزوی آنها، اعلام این خبر خوش و جذاب بود که انسانها درک کنند که زندگی واقعاً ارزش زیستن را دارد.

کسی که عیسی مسیح را یافته، خواسته و آرزویش در میان گذاشتن این شادی با دیگران است، زیرا معتقد است که عیسی مسیح پسر خدا بر گناه و مرگ هر انسان چیره شده و وی را با خدا آشتی داده است.

اعتقادنامه رسولی

من ایمان دارم به خدا
به پدر قادر مطلق
خالق آسمان و زمین
و به عیسی مسیح
پسر متولد شده او، خداوند ما
که بوسیله روح القدس در رحم قرار گرفت
از مریم باکره متولد شد
به فرمان پنطیوس پیلطس آزار کشید
مصلوب شد، مرد و مدفون گردید
به عالم مردگان نزول کرد
در روز سوم از مردگان برخاست
و به آسمان صعود کرد
بر دست راست خدای پدر
قادر مطلق نشسته است
و برای داوری مردگان و زندگان
از آنجا خواهد آمد
من ایمان دارم به روح القدس
و به کلیسای مقدس کاتولیک
و به اشتراک مقدسین
و به آمرزش گناهان
به قیامت مردگان
و به حیات جاویدان. آمین

دعای ربانی

ای پدر ما که در آسمانی
نام تو مقدس باد،
ملکوت تو بیاید،
اراده تو چنانکه در آسمان است،
در زمین نیز کرده شود.
نان روزانه ما را،
امروز به ما ده.
گناهان ما را ببخش،
چنانکه ما نیز
آنها را به ما بدی نموده اند می بخشیم.
و ما را در آزمایش نیاور،
بلکه از شریر رهایی ده.
آمین

دعا به مریم مقدس

درود بر تو ای مریم
پر از نعمت،
خدا با توست.
میان همه زنان تو خجسته هستی،
و عیسی میوه درون تو خجسته است.
ای مریم مقدس، مادر خداوند،
برای ما بیچارگان گناهکار،
اکنون و در هنگام مرگ ما دعا کن.
آمین.

جلال بر خداوند

فر و شکوهمندی باد
به پدر و پسر و روح القدس
چنانکه از روز نخست بوده،
اکنون هم هست،
و همیشه تا سالهای سال خواهد بود.
آمین.

